

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: غلام اکبری
gholam.akbari@gmail.com
ادیتور: شهلا دانشفر
shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۱۳

۱۸ بهمن ۱۴۰۰
۷ فوریه ۲۰۲۲



دوشنبه ها منتشر میشود

دیگر مطالب این شماره:

**حاکمیت
سرمايه "سیاست"
را هل داده وسط**

**سُفره زندگی
مردم!**

صفحه ۱۱

چند اطلاعیه حزب صفحات
۱۲ الی ۱۸

حزب کمونیست
کارگری ایران به کمک
مالی شما نیازمند است!
صفحه ۱۳

به حزب

**کمونیست
کارگری ایران
پیوندید!**

تاراج صندوق های بازنشستگی و تعرض به معیشت بازنشستگان

مصاحبه با شهلا دانشفر



مرکز پژوهش های مجلس گزارش زیر فرش کردن علت اصلی بحران و ورشکستگی صندوق های به یغما رفته بازنشستگی است. همانطور که اشاره کردید این مرکز در گزارش امسال نیز مثل سالهای گذشته با وقاحت تمام بالا بودن پرداختی های به مستمری بگیران و کمبود در آمد صندوق ها را عامل ورشکستگی آنها دانسته

بازنشستگی و کمبود درآمد این صندوقها و بالا بودن پرداختی های این صندوقها به مستمری بگیران صحبت شده است. چه عواملی باعث این وضعیت شده است؟
شهلا دانشفر: گزارش

کارگر کمونیست: گزارش مرکز پژوهش های مجلس در رابطه با صندوقهای بازنشستگی و بودجه ۱۴۰۱، منتشر شده است. در این گزارش از وضعیت نامساعد صندوقهای

است. و این درحالیست که فریاد بازنشستگان علیه فقر و بی تامينی و اختلاس ها و دزدهای بلند است و بنا بر آمارهای صفحه ۲

اهمیت و جایگاه سیاسی - اجتماعی اعتراضات معلمان



حمید تقوایی این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است
خلیل کیوان: آیا حرکت معلمان میرود که به یک جنبش توده ای و فراگیر تبدیل بشود و اقشار وسیع تری را در مقابل جمهوری اسلامی

بسیج کند؟ آیا حکومت قادر است که این جنبش را متوقف کند؟ چشم انداز این حرکت چه هست؟ اعتراضات معلمان چه جایگاهی در جنبش سرنگونی دارد؟ آیا مطالبات عدالتخواهانه معلمان را میشود در جهت حرکت جنبش سوسیالیستی

طبقه کارگر در نظر گرفت؟ با حمید تقوایی هستیم و پرسش هایمان را با ایشان در میان میگذاریم.
حمید تقوایی روزهای نهم

و دهم بهمن شاهد بودیم که اعتصابات معلمان در بیش از دویست شهر برگزار شد. در خیلی از این شهرها تحصن و اعتصاب صفحه ۵

تعیین سبد

معیشت ۹

میلیونی ،

مطالبه کارگران

شهلا دانشفر
بحث بر سر میزان حداقل دستمزد برای سال آتی

این موضوع با موجی از اعتراض در میان کارگران روبرو شده و کارگران کل این بساط بردگی را به چاش کشیده اند.

اما یک نکته مهم اینست که امسال وضعیت نسبت به هر سال متفاوت است. از جمله اقتصاد ورشکسته

همچنان داغ است. شورای عالی کار مثل هر سال بر سر این موضوع و از بالای سر کارگران و در پشت درهای بسته مشغول رایزنی هایش است. در همین راستا در آخرین نشست خود نرخ سبد معیشت کارگران را رقمی در حدود ۹ میلیون تعیین کردند.

جمهوری اسلامی از یکسو و به میدان آمدن اجتماعی جنبش های اعتراضی در سطح جامعه در دفاع از زندگی و معیشت خود از سوی دیگر و نیز فضای انفجاری علیه گرانی و فقر در کل جامعه امسال جمهوری اسلامی را صفحه ۷

فراخوان ۲۹ تشکل مستقل بازنشستگان به تجمع سراسری در ۲۴ بهمن

مقابل تامین اجتماعی برگزار شود. بازنشستگان خواستهای بحقی دارند که علیرغم تلاشها و اعتراضات بسیار، پاسخ صفحه ۷

برای ساعت ده و نیم صبح روز یکشنبه ۲۴ بهمن فراخوان داده اند. این تجمعات قرار است در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها

طی بیانیه ای مشترک در اعتراض به فقر معیشتی و پاسخ نگرفتن خواستهای خود و برای پیگیری خواستها و مطالباتشان به تجمع سراسری

بازنشستگان در تدارک حرکتی گسترده تر از قبل در اعتراض به عملی نشدن خواستهایشان هستند. ۲۹ تشکل مستقل بازنشستگان

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



صفحه ۱

تاراج صندوق های بازنشستگی و تعرض به معیشت بازنشستگان

رسیده هر روز سازمانیافته تر و با خواستههای شفاف تر و روشن تر به جلو می آید و کل نظام حاکم را به چالش میکشد.

کارگر کمونیست: اگر ممکن است توضیحی در مورد صندوقهای بازنشستگی و مشخصاً وضعیت صندوق تامین اجتماعی بدهید؟

شهلا دانشفر: بر اساس آمارهای وزارت رفاه جمهوری اسلامی ۱۸ صندوق بازنشستگی در کشور وجود دارد. در میان آنها بزرگترین صندوق به لحاظ شمار افرادی که تحت پوشش آن قرار دارند، صندوق بازنشستگی تامین اجتماعی با حدود ۴/۵ میلیون نفر است. البته طبق همین گزارشات ۲۴ میلیون نفر از جمعیت کشور عضو هیچ کدام از این صندوقها نیستند. یعنی آنها حتی از همان بیمه زیر استاندارد نیز محرومند. این خود یک موضوع اعتراض در میان بازنشستگان است و آنها بر خواست بیمه رایگان، مناسب و همگانی به عنوان حق عمومی همه مردم تاکید دارند.

موجودی صندوق های بازنشستگی اساساً از جیب کارگران تامین میشود. به این معنا که بنا بر قانون حکومت اسلامی هر ماه پولی از مزد کارگران به جیب این سازمان میرود. به این ترتیب که ماهانه کارگران و کارکنان ۷ درصد حقوق یا دستمزد خود را به عنوان حق بیمه به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می کنند. کارفرمایان نیز در قبال کاری که کارگر میکند ۲۳ درصد و دولت ۳ درصد به این صندوق پرداخت می کنند. این درحالیست که بنا بر آمارهای دولتی ۱۲ میلیون کارگر تحت پوشش این سازمان هستند که با خانواده هایشان جمعیتی ۳۷ میلیونی را در بر

دستگاههای خرافه و مذهب و صدا و سیما افزایش چشمگیر داشته است. اما نه تنها خبری از افزایش حقوقها و پاسخگویی به مطالبات مردم نیست، بلکه بودجه ای ریاضتی و در تعرض گسترده به زندگی کل جامعه مصوب شده است.

بنابراین امروز بحث بر سر اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی و صندوق های بازنشستگی است. برای مثال تامین اجتماعی هم اکنون در پرداخت حقوق و مستمری بازنشستگان با معضل روبرو است و بنا بر خبرهای اعلام شده دولتی، سازمان تامین اجتماعی امسال بیش از ۱۷ هزار میلیارد تومان بابت حقوق مستمری بگیران و بازنشستگان باید پرداخت کند و ماهیانه بین ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ میلیارد تومان کسری نقدینگی برای پرداخت حقوقها دارد. بعلاوه هم اکنون هفت ماه است که پرداختی های این سازمان به مراکز درمانی پرداخت نشده است و در سال آینده کسری منابع تامین اجتماعی به بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان در ماه می رسد.

از سوی دیگر باز هم طبق گزارشات دولتی به دلیل تامین کسری حقوق پرداختی بیش از ۹۰ هزار میلیارد تومان که تا پایان خرداد سال آینده به بیش از ۱۳۵ هزار میلیارد تومان خواهد رسید، بدهی تامین اجتماعی به بانکها نیز افزایش خواهد یافت و این رشته سر دراز خواهد داشت. همه این آمار و ارقام حاکی از زیر سوال رفتن زندگی و معیشت جمعیت میلیونی بازنشستگان است. این چنین است که امروز دفاع از معیشت، به یک موضوع حاد مبارزاتی و سیاسی جامعه تبدیل شده است. و این چنین است که جامعه جان به لب

خود حکومت بیش از ۸۰ درصد آنها زیر خط فقر زندگی میکنند. و امروز بر هیچکس پنهان نیست که یک علت اساسی این بحران به یغما رفتن دارایی های صندوق های بازنشستگی و غارتگری های حکومتیان و بساط دزدسالارمافیایی حاکم است. در حاکمیت جمهوری اسلامی صندوقی باقی نمانده است که از چپاول باندهای حکومتی در امان مانده باشد. در این سیستم دزدسالار از صندوق خالی دولت گرفته تا صندوقهای بازنشستگی و صندوق ذخیره بانک فرهنگیان همه و همه به یک سرنوشت دچار شده اند و همه جا بحث بر سر خالی بودن این صندوق هاست.

بعلاوه اقتصاد جمهوری اسلامی به بن بست رسیده است. از جمله سازمان برنامه و بودجه رسماً در گزارشی که در پایان دوره ریاست جمهوری روحانی تهیه و در مهر ماه انتشار یافت، نسبت به ورشکستگی اقتصاد جمهوری اسلامی هشدار داد. حال تا آنجا که به صندوق بازنشستگی برمی گردد یک علت ورشکستگی آن بدهی ۴۰۰ هزار میلیاردی دولت به این صندوق است. از همین رو هم بخاطر این بدهی کلان میلیاردی و هم بخاطر سالها چپاول و غارت این صندوق کار این صندوق به ورشکستگی کامل کشیده شده است. این درحالیست که در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ هیچ بحثی از پرداخت بدهی های دولت به این صندوق در میان نیست و رویکرد این لایحه نیز جبران کسری بودجه دولت از جیب کارگران، معلمان، بازنشستگان و کل جامعه است. از جمله در این لایحه بودجه سرکوب و

بوده است. در این دزدی ها همه جناحهای حاکمیت از حزب اسلامی کار و خانه کارگرها تا سران سپاه پاسداران دست داشته و دارند. در چنین روندی است که دارایی های صندوق بازنشستگی به یغما رفته است.

برای مثال با پولهای جمع شده جمعیت عظیم میلیونی کارگران طی سالها در صندوق تامین اجتماعی، آنهم با سرمایه گذاری های بزرگش، سازمان تامین اجتماعی توانست به یکی از بزرگترین بنگاههای کلان اقتصادی و کنسرن های مالی با صدها هزار میلیارد تومان سرمایه تبدیل شود. از جمله شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) یک شرکت سرمایه گذاری متعلق به سازمان تامین اجتماعی ایران است که بعنوان یک مجموعه تخصصی در امر سرمایه گذاری در سال ۱۳۶۵ در قالب یک شرکت سهامی خاص با سرمایه اولیه ۲ میلیارد تومان شروع به کار کرد. این شرکت طی سالها با ذخیره های مالی کارگران در زمینه های مختلف تولید، بازرگانی،

بدین ترتیب این سازمان در طول سالها حاکمیت جمهوری اسلامی به حیات خلوت شماری از دزدان حرفه ای و دارودسته های جمهوری اسلامی تبدیل شده است. به این معنا که با تغییر هر دولت دار و دسته جدیدی به منابع مالی این سازمان چنگ انداخته اند و ثروت های افسانه ای تامین اجتماعی، همواره یک موضوع مهم نزاعهای درون حکومت

میگیرد. اگر چه آخرین گزارشات حاکمیت که این سازمان قریب ۴۲ میلیون نفر را تحت پوشش خود دارد.. بدین ترتیب پولهای انباشته شده در این صندوق منبع مالی عظیمی است. اما در قبال این پول، خدماتی به کارگران ارائه نشده و نمیشود. بلکه به عکس این صندوق ها یک منبع مهم دزدیهای کلان حکومتیان بوده است.

البته می دانید که سازمان تامین اجتماعی مستقیماً زیر نظر دولت اداره میشود. و اکنون دولت بدهکار اصلی به این صندوق است و همانطور که اشاره کردم ۴۰۰ هزار میلیون تومان به آن بدهکار است. در طول همه این سالها هر گاه سر و صدا ها زیاد شده دولت ها با هزار جور دوز و کلک جلو آمده و برای مثال با فروش سهام کارخانجات اسقاطی به صندوق بازنشستگی آنهم به قیمتهای گزاف تلاش کرده اند که ظاهراً بخشی از دیون خود را تسویه کنند.

بدرین ترتیب این سازمان در طول سالها حاکمیت جمهوری اسلامی به حیات خلوت شماری از دزدان حرفه ای و دارودسته های جمهوری اسلامی تبدیل شده است. به این معنا که با تغییر هر دولت دار و دسته جدیدی به منابع مالی این سازمان چنگ انداخته اند و ثروت های افسانه ای تامین اجتماعی، همواره یک موضوع مهم نزاعهای درون حکومت

تاراج صندوق های بازنشستگی و تعرض به معیشت بازنشستگان

صفحه ۲

متعلق به سازمان تامین اجتماعی است. این قرارداد، مراکز و موسسات مالی ای چون هوپیمایی جمهوری اسلامی، فولاد خوزستان، فولاد مبارکه اصفهان، بانک صادرات، هتل های هما، پتروشیمی غدیر، پتروشیمی تبریز، شرکت ملی نفتکش، چوب و کاغذ ایران، شرکت های مختلف بیمه ای (ملت، میهن، دانا، پارسیان، کشتیرانی جمهوری اسلامی، بانک های مختلف از جمله پاسارگاد، نات، پارسیان، دی و ...) را در بر میگرفت. در این پرونده همچنین از جریانی تحت عنوان زمین شهرک غرب "پروژه ایران، زمینی" که متعلق به سپاه بوده سخن رفته که از معاملات تو در توی بابک زنجانی و دزدی های پشت پرده آنها خبر می دهد. و بالاخره بخش دیگری از گزارشات مربوط به پرداخت رشوه های میلیاردی به خودی هایشان تحت عناوین پاداش و ماموریت و نیز پرداخت حقوقهای نجومی به هفت هزار نورچشمی ها و مدیران ارشد این سازمان بود. و بعدا دیدیم که این دزدی ها و اختلاس ها به بک جنبش اعتراضی قدرتمند علیه اختلاسگری های حکومت و بی تامینی مردم تبدیل شد. از جمله کارگران مشخصا علیه مرتضوی جلا امضا جمع کردند و اعلام شکایت کردند. زیر فشار این اعتراضات بود که ناچار شدند یکی از مهره های مهم جنایتکار خود نظیر مرتضوی را به جای اینکه به او پاداش دهند، قربانی کنند و با صدور دو سال حکم زندان برای او سعی کردند سر و ته قضیه را هم بیاورند. اما این موضوع خاتمه نیافت و همین امروز یک خواست مهم

بازنشستگان پرداخت دیون ۴۰۰ هزار میلیاردی دولت به صندوق بازنشستگی و بازگردانده شدن پولهای به سرقت رفته است. کارگران به این اختلاسها و دزدیها و تعرض هر روزه به زندگی و معیشت خود بخاطر غارت دارایی های این صندوق و بخاطر کل بساط چپاولگری حاکم اعتراض دارند.

کارگر کمونیست: با توجه به ورشکستگی صندوق بازنشستگی دولت امروز چه سیاستی را در دستور دارد. مطالبات بازنشستگان کدامند؟

شهلا دانشفر: به گفته بازنشستگان حکومت میخواهد از جیب بازنشستگان کسری بودجه و مشکل صندوق غارت شده اش را تامین کند. صندوقهای بازنشستگی را به غارت برده اند و همانطور که اشاره کردم گزارش دیمه مرکز پژوهش های مجلس اسلامی با وقاحت تمام کاهش جمعیت حق بیمه پرداز در کنار افزایش تعداد مستمری بگیران را علت کسری بودجه صندوق تامین اجتماعی قلمداد میکند. و به روند افزایشی اعتبار اختصاص یافته به صندوق های بازنشستگی کشور در بودجه عمومی و رسیدن آن به حدود ۲۱۷ هزار میلیارد تومانی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ اشاره دارد. این حرفها را میزنند تا زمینه را برای تعرضات بیشتر به زندگی و معیشت بازنشستگان فراهم سازند. افزایش دو سال به سن بازنشستگی و افزایش میانگین محاسبه حقوق بازنشستگی از دوسال به سه سال که در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ چنانچه شده بود، دوبرندی است که در واقع تغییری ساختاری در قانون

بازنشستگی ایجاد میکرد، نمونه ای از این تعرضات بود که با هوشیاری کارگران و اعتراضات گسترده در میان بازنشستگان عقب زده شد. رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس اسلامی از حذف این دو بند در جلسه این کمیسیون خبر داد.

بحث دیگر بحران آفرین خواندن افزایش حقوق بازنشستگان در مجلس اسلامی و در میان حکومتیان بوده است. در برابر، بازنشستگان ایستاده و میگویند که چگونه است که افزایش حقوقهای نجومی تورم را نیست، اما افزایش مزد بازنشستگان، کارگران، و معلمان تورم زاست؟ امروز همچنین حرف کارگران، معلمان و بازنشستگان اینست که چگونه است که برای حوزه علمیه قم و صدا و سیما و دستگاه های سرکوب و مراکز مذهبی بودجه هست و بودجه آنها افزایش هم می یابند، اما برای کارگر، معلم، بازنشسته و برای مردم بودجه نیست. این چنین است که در شرایط به بن بست رسیده اقتصاد جمهوری اسلامی، اعتراض بر سر هر مطالبه معیشتی اعتراض به لایحه بودجه نیز هست. بدین ترتیب بازنشستگان به تعرضات حکومت به زندگی و معیشتشان تحت عنوان لایحه بودجه ۱۴۰۰ و عدم اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای خط فقر و اجرایی نشدن دیگر مطالباتشان اعتراض دارند.

کارگر کمونیست: طبقه کارگر، بازنشستگان و شاغلین برای مقابله و دفاع از معیشت خود چه راهکاری دارند؟

خواسته های مشخص بازنشستگان همین امروز کدامند؟

شهلا دانشفر: اعتراضات

بازنشستگان، اعتراضات معلمان و فضای پر التهاب مبارزه در میان بخش های مختلف کارگری و کل جامعه نشانگر سراسری و عمومی شدن اعتراضات اجتماعی در سطح جامعه است. از جمله همین امروز اعتراضات معلمان و یا بازنشستگان سراسری است و راهکار من به هم پیوندن این جنبش ها حول خواسته های سراسری است.

به عبارت روشنتر ما در حرکت رو به جلوی امروز جنبش اجتماعی شاهد تغییراتی کیفی هستیم. جنبش اعتراضی قدرتمند معلمان و یا بازنشستگان که دارند وسیعتر به میدان می آیند، مصادیق بارز این تغییرات کیفی هستند و اینها همه جنبش هایی هستند که هم به لحاظ مضمون خواستها و هم به لحاظ دامنه وسعت خود ابعادی اجتماعی دارند. این اتفاقات طلایه های شکل گیری خیزش های مردمی در سطح جامعه است که چنین گسترده و سازمان یافته و با خواسته های روشن به جلوگام بر میدارد و هر روز بیشتر توازن قوا را به نفع جنبش های اعتراضی در سطح جامعه تغییر میدهد. تاکید من تقویت این جنبشها، پیوستن به این اعتراضات و حمایت عملی از آنهاست. همچنین راهکار من درس گرفتن بخش های مختلف کارگری از تجربیات یکدیگر از جمله یادگیری از تجربیات درخشان معلمان است که با اتکاء به سازمانیابی سراسری خود توانسته اند در چنین ابعاد قدرتمندی قد علم کنند و پیگیر مطالباتشان باشند. از جمله الگوی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان مرکب از صفحه ۴

سرنگون باد رژیم دزدسالار اسلامی!



تاراج صندوق های بازنشستگی و تعرض به معیشت بازنشستگان

صفحه ۳

نمایندگان

منتخب همه تشکلهای صنفی معلمان در شهرهای مختلف میتواند یک الگوی خوب برای شکل گیری یک تشکل توده ای سراسری توده ای برای بازنشستگان نیز باشد. تشکلی که با اتکاء به مجامع عمومی تشکلهای مستقل بازنشستگان در شهرهای دیگر و استفاده از امکان ابزار مدیای اجتماعی محل اعمال اراده مستقیم بازنشستگان در امر مبارزه شان باشد.

به نظر من خواستهای بازنشستگان در کنار مطالبات اعلام شده معلمان در واقع پلانقرم مبارزاتی همه جامعه در دفاع از زندگی و معیشت و داشتن کرامت انسانی است. به این معنا که وقتی معلم و بازنشسته علیه فقر و بی تأمینی و تبعیض و نابرابری بلند میشود، پرچم خواستهای سراسری ای چون تحصیل رایگان، درمان رایگان و داشتن حق مسکن را بلند کرده و از حق داشتن زندگی ای انسانی سخن میگوید، دارد خواستهای کل جامعه را نمایندگی میکند. و یا اعتراض آنان به سرکوبگری های حکومت و دزدی ها و اختلاس ها اعتراض همه مردم است. راهکار من پیوستن به این اعتراضات و حمایت عملی از آنهاست. راهکار من درس گرفتن از تجربیات این مبارزات است. از جمله ما تجربه درخشان معلمان در امر سازمانیابی را دارند. با وجود تشکلی چون شورای هماهنگی

تشکلهای صنفی فرهنگیان است که معلمان توانسته اند در چنین ابعاد قدرتمندی قد علم کنند و پیگیر مطالباتشان باشند. برای مثال یک تجربه درخشان معلمان در همین هفته در شهر سنندج است که با ایستادگی در برابر سرکوبگران حکومت، مجمع عمومی خود را در کف خیابان به پا کردند تا نمایندگان منتخب خود را برای عضویت در شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان تعیین کنند. و این تشکلی توده ای و شورایی است که متکی به اعمال اراده مستقیم معلمان از طریق نمایندگان منتخب مجامع عمومی شان و دخالتگری حداکثری در تصمیم گیری

راهکار من به هم پیوستن و حرکت هماهنگ جنبش های اجتماعی در دفاع از معیشت و زندگی و برای داشتن یک زندگی انسانی و به راه افتادن موجی از اعتراضات سراسری است. برای مثال همین امروز از سوی ۲۹ تشکل مستقل بازنشستگان به تجمع بزرگ و سراسری برای روز ۲۴ بهمن فراخوان داده

شده است. این حرکتی در ادامه یکشنبه های اعتراض و در واقع پاسخ بازنشستگان به وضعیت امروز است. تاکید من بر حمایت گسترده و همه جانبه از این اعتراضات است. علاوه بر بازنشستگان، معلمان نیز برای آغاز مرحله دوم اعتراضات خود در روزهای ۲۳ تا ۲۷ بهمن فراخوان داده اند. معلمان با مبارزات درخشان خود حقیقتاً حماسه آفریده و بطور واقعی صدای رسای کل جامعه در برابر تعرضات حکومت سرمایه داری مافیایی حاکم هستند. باید وسیعاً به این صداها پیوست.

خواستهای بازنشستگان در کنار مطالبات اعلام شده معلمان در واقع پلانقرم مبارزه همه جامعه است و ابعاد اجتماعی این اعتراضات نمادی از خیزش های مردمی است که چنین گسترده و سازمانیافته و با خواستهای روشن دارد به جلو می آید. راهکار من تقویت این جنبشهاست. بنابراین وقتی معلم و بازنشسته علیه فقر و بی تأمینی و تبعیض و نابرابری بلند میشود. از آزادی حق تشکل و اعتراض سخن میگوید و

خواستار پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات میشود. وقتی خواستهای سراسری ای چون تحصیل رایگان، درمان رایگان و داشتن حق مسکن از سوی آنها فریاد زده میشود و شعارهایی چون "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "فقط کف خیابان بدست میاد حقمون" را در کف خیابان سر میدهند، این اعتراض همه کارگران، و همه بخش های جامعه است. انتظار می رود با بیانیه های مشترک با این مبارزات از سوی همه بخش های کارگری و همه جامعه حمایت و پشتیبانی شود. و بالاخره اینکه بازنشستگان با تاکید بر اینکه تورم و شرایط کرونایی دامنه فقر و محرومیت را بیشتر از قبل بر سر آنها گسترده است، افزایش ۱۵ درصدی حقوق ها و اندکی هم به بهانه "متناسب سازی" (در مجموع متوسط ۸۰۰ هزار تومان) برای بازنشستگان کشوری و لشکری را دهن کجی و توهین آشکار بر زندگی خود میدانند. در همین راستا بازنشستگان در فراخوان ۲۴ بهمن ماه خود به تجمعات بزرگ سراسری بر خواستهای

چون تعیین حقوق بر مبنای هزینه های واقعی خانوار و افزایش آن متناسب با نرخ تورم واقعی، اجرای کامل همسان سازی حقوقها معادل ۹۰ درصد حقوق شاغلین و پست های مشابه، پرداخت دیون ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق تأمین اجتماعی، عیدی دو برابر حقوق، و آزادی فوری و بی قید و شرط اسماعیل گرامی تاکید کرده اند. بعلاوه اینکه بازنشستگان در اعتراضاتشان بارها و بارها بر افزایش حقوقهای خود به بالای خط فقر تاکید کرده اند و امسال با توجه به رشد تورم و افزایش سرسام آور قیمت ها خواست کارگران افزایش حقوقها به بالای ۱۶ میلیون است. بعلاوه درمان و تحصیل رایگان برای همه و داشتن حق مسکن و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله دیگر تاکیدات بازنشستگان در مبارزاتشان بوده است. از خواستهای بازنشستگان باید وسیعاً حمایت کرد.

هیچ دستمزدی نباید کمتر از ۱۶ میلیون باشد!



این پرچم در واقع دارند از سطح معیشت کل جامعه دفاع میکنند و خواستار این هستند که امنیت شغلی برقرار بشود، خواستار این هستند که دستمزد و حقوق بالاتر از خط فقر باشد، حقوق بازنشستگی مکفی داده بشود، حقوق بیکاری مکفی داده بشود، قراردادهای موقت تبدیل بشود به استخدامهای دائمی و روشن است که این خواستها فقط ویژه معلمان نیست. بنابراین هم از نقطه نظر مساله آموزش و تحصیل رایگان و جلوگیری از خصوصی سازی مدارس و دانشگاهها جامعه در مبارزه معلمان ذینفع است و با آن همراه و همگام است و هم از نقطه نظر اینکه جنبش معلمان سطح معیشت جامعه را ارتقا میدهد بخش عظیمی از مردم کارکن که بزرگ خط فقر رانده شده اند را با خود همراه میکند.

خلیل کیوان: برویم سراغ شعارهایی که در این اعتراضات دیده شد و یا برجسته بود، دو شعار همه گیر در این اعتراضات بود که برجسته بود، شعار معلم زندانی آزاد باید گردد و رتبه بندی باید اجرا بشود. اما فقط این شعارها نبود، شعارهای دیگری مثل آموزش رایگان و لغو خصوصی سازی ها هم در اعتراضات وجود داشت، شعارهای عمومی ای هم مثل مرگ بر دروغگو یا با اهل قلم هر که در افتاد و افتاد و همچنین برای رفع تبعیض معلم پیاخیز، را داشتیم. جایگاه هر کدام از این شعارها در این اعتراضات چیست و کدامیک از این شعارها ظرفیت این را دارد که کل جامعه را بسیج کند؟

حمید تقوایی: من فکر میکنم کل این شعارها، لیستی که شما الان اشاره کردید،

اهمیت و جایگاه سیاسی - اجتماعی اعتراضات معلمان

میروند و بخش عظیمی از جامعه را در بر میگیرند.

خلیل کیوان: این مبارزه تا همینجا گسترده بود ولی هنوز نمیشود گفت که یک جنبش توده ای فراگیر با حمایت اقشار مختلف مردم است اگرچه بخشهایی از محصلین و خانواده محصلین همراهی میکنند. چطور این میتواند به یک جنبش فراگیر و توده ای و مورد حمایت همه اقشار تبدیل بشود؟

حمید تقوایی: بنظر من حلقه ای که مبارزات معلمان را کلا به جامعه وصل میکند، دانش آموزان هستند. بخش قابل توجهی از مردم ایران فرزندان دارند که به مدرسه میروند، به دانشگاهها میروند - خواست تحصیل رایگان دانشگاهها را هم در برمیگیرد- و این حلقه اتصال است که مبارزه معلمان را به جامعه پیوند میدهد. علاوه بر این خواستهایی معیشتی که معلمان مطرح میکنند مثل خواست افزایش حقوقها و طرح رتبه بندی، مساله صندوق ذخیره معلمان که حکومت پولش را بالا کشیده، و یا استخدام دائمی و غیره در واقع خواست بخشهای وسیعی از مردم است. طرح این خواستها میتواند تمام مردم به زیر خط فقر رانده شده را به میدان بیاورد. بویژه امروز که جنبش وسیعی برای افزایش دستمزدها شکل گرفته که بازنشستگان، کارگران رشته ها و بخشهای مختلف، و حتی کارمندان و حقوق بگیران جزء را در برمیگیرد، مطالباتی که معلمان مطرح میکنند بر متن این جنبش وسیع قرار میگیرد و خواست اکثریت عظیم مردم را بیان میکند. معلمان با بلند کردن

صفحه ۱ بطور کامل صورت گرفت و در روز یازدهم هم در سیصد شهر و همچنین در نقاط روستایی اعتراضات گسترده ای برپا شد. از نظر گسترش و سازمانیابی این رخداد کم نظیر بود. اهمیت اجتماعی و سیاسی این اعتراضات را در چه می بینید؟

حمید تقوایی: مبارزات معلمان دو جنبه دارد که این جنبش را برجسته میکند و به آن مکان ویژه ای میدهد. یکی همین سازمانیافتگی و گستردگی این مبارزات است که همانطور که اشاره کردید در بیش از سیصد شهر و نواحی روستایی این تحصن و اعتصاب شکل گرفت، بطور همزمان و سراسری و با خواستها و با شعارهای واحد و تعرضی. کمتر در تاریخ چند ده ساله اخیر چنین مبارزه وسیعی را ما در سراسر ایران شاهد بوده ایم.

جنبه دیگر مضمون این مبارزات و خواستها و مطالباتی است که معلمان مطرح میکنند. میدانید که خواستهای شعارهای معلمان از صرف خواستهای صنفی و خواستهای معیشتی مثل طرح رتبه بندی و خاتمه یافتن غارت صندوق ذخیره فرهنگیان و افزایش حقوقها فراتر میروند و مسائلی مثل تحصیل رایگان، توقف خصوصی سازی آموزش و پرورش و غیره را در برمیگیرد که خواست همه خانواده هایی است که فرزندان شان به مدرسه و یا به دانشگاه میروند. ازینرو از لحاظ مضمونی هم این مبارزات بسیار فراگیر و سراسری است، از صفوف معلمان فراتر

مجموعاً این قابلیت را دارد که به این جنبش هم از نظر کمی و هم کیفی و مضمونی ابعاد گسترده ای بدهد. مثلاً اشاره کردید به خواست آزادی معلمان زندانی. خوب میدانید که امروز جنبش آزادی زندانیان سیاسی گسترده و برجسته شده است. جنبشی شکل گرفته که از وین تا اوین را در برمیگیرد و این حرکت همچنان ادامه دارد. معلمان با خواست آزادی معلمان زندانی در واقع در این جنبش دخیل میشوند و آرا تقویت میکنند. خواستهای معیشتی هم همانطور که گفتم امری است که تمام کارگران، تمام حقوق بگیران جزء، تمام زحمتکشان جامعه در آن ذینفع هستند. شعار "هر که با اهل قلم در افتاد و افتاد" هم رابطه ای برقرار میکند با جنبش نویسندگان و کانون نویسندگان و مبارزه ای که با قتل بکناش آبتین در واقع برجسته شد و به جلو رانده شد و مساله آزادی قلم، وسیعاً مطرح کرد.

روشن است که عدالت و آزادی بسیار از خواستهای صنفی فراتر میروند و در واقع مجموعه این خواستها و مطالباتی که گفتم را در برمیگیرد. این مطالبه نیست، یک هدف و آرمان است. هدفی است که میدانیم فقط با سرنگونی جمهوری اسلامی میتواند متحقق بشود و به این معنا مبارزه معلمان مبارزه ای است که باید آنرا شاخه ای از جنبش سرنگونی طلبانه در ایران دید.

خلیل کیوان: خیلی از نگاه ها در ایران به حرکت معلمان دوخته شده است، میدانیم که در هر دوره ای یک قشری از جامعه مبارزه شان برجسته تر و کلیدی تر میشود. آیا معلمان میروند که چنین نقشی را ایفا کنند و پشتاز و ستون فقرات صفحه ۶

مجموعاً این قابلیت را دارد که به این جنبش هم از نظر کمی و هم کیفی و مضمونی ابعاد گسترده ای بدهد. مثلاً اشاره کردید به خواست آزادی معلمان زندانی. خوب میدانید که امروز جنبش آزادی زندانیان سیاسی گسترده و برجسته شده است. جنبشی شکل گرفته که از وین تا اوین را در برمیگیرد و این حرکت همچنان ادامه دارد. معلمان با خواست آزادی معلمان زندانی در واقع در این جنبش دخیل میشوند و آرا تقویت میکنند. خواستهای معیشتی هم همانطور که گفتم امری است که تمام کارگران، تمام حقوق بگیران جزء، تمام زحمتکشان جامعه در آن ذینفع هستند. شعار "هر که با اهل قلم در افتاد و افتاد" هم رابطه ای برقرار میکند با جنبش نویسندگان و کانون نویسندگان و مبارزه ای که با قتل بکناش آبتین در واقع برجسته شد و به جلو رانده شد و مساله آزادی قلم، وسیعاً مطرح کرد.

اینطور بگویم که این نوع شعارها در واقع معلمان را در کنار جنبش آزادی عقیده و بیان، در کنار جنبش آزادی زندانیان سیاسی، در کنار جنبش

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست.

پرونده سازی علیه فعالین کارگری و جنبش های اجتماعی ممنوع!

اهمیت و جایگاه سیاسی - اجتماعی اعتراضات معلمان

صفحه ۵ نقطه

اتصال و متحد کننده جنبش توده ای و فراگیر سراسری بشوند؟

حمید تقوایی: مبارزه معلمان از نظر ادامه کاری، از نظر اینکه الان مدتهای زیادی است که این جنبش فعالیت میکند و به پیش میرود و از نظر سازمانیافتگی، از نظر هماهنگی و به اصطلاح حرکت متحد و سراسری که به نمایش گذاشتند، از همه این نقطه نظرها کاملا ویژه و برجسته است ولی باید گفت خوشبختانه ما جنبشهای متعددی داریم که همین خصوصیات را کمابیش دارند و همینطور دارند پیش میروند. یکی جنبش دادخواهی است، جنبش مادران آبان و مادران خاوران و خانواده های قربانیان شلیک به هواپیمای اوکراینی، اینها شکل دهندگان جنبش وسیعی هستند که پرچم دادخواهی را بلند کرده اند و خواستشان محاکمه سران حکومت است. حتی دادگاههایی در سطح جهانی تشکیل شده و در خود ایران هم مردم دادگاههای فرمایشی جمهوری اسلامی را بر سرش خراب کردند. جنبش بازنشستگان و جنبش آزادی زندانیان سیاسی نیز در سطح وسیعی به پیش میرود. اینطور میتوان گفت که جنبش معلمان یکی از جنبشهای برجسته و فراگیری است که در کنار جنبشهای مشخصی که اسم بردم در پیشاپیش صفوف جامعه قرار گرفته و پرچم آزادی و عدالت را همانطور که خودشان اعلام کرده اند برافراشته است.

خلیل کیوان: اعتراضات

معلمان چطور به اعتراضات کارگران مربوط میشود؟ آیا میشود از یک حرکت سوسیالیستی و هم جهت با کارگران در میان معلمان صحبت کرد؟

حمید تقوایی: از سالها قبل شعار سوسیالیسم پیا خیز برای رفع تبعیض در خیابانها داده شده است و هنوز هم اینجا و آنجا کارگران مطرح میکنند. معلمان هم امروز شعار میدهند معلم به پا خیز برای رفع تبعیض. به نظر من هر مبارزه ای که، هر حرکت اعتراضی که شعارش و یک هدفش را رفع تبعیض اعلام کند جزئی میشود از جنبش برابری طلبانه سوسیالیستی. چون جوهر و ماهیت جنبش سوسیالیستی برابری است و آزادی هم در واقع بر مبنای برابری معنای واقعی پیدا می کند. تا وقتی برابری نباشد آزادی هم حداکثر روی کاغذ می ماند.

جوهر مبارزه رادیکال طبقه کارگر مبارزه برای رفع تبعیض است. مبارزه علیه استثمار کارمزدی که ریشه ای ترین تبعیض است، و علیه تبعیض طبقاتی، تبعیض مذهبی، تبعیض نژادی، تبعیض جنسیتی که بخصوص در ایران علیه زنان پیداد میکند، تبعیض علیه اقلیتهای منسوب به ملت‌های دیگر، اقوام دیگر، مذاهب دیگر، و انواع تبعیضات. تمام این اعتراضات و مبارزات در جامعه جاری است. وقتی جنبشی علیه هر یک از تبعیضات به میدان می آید و شعار میدهد "به پا خیز برای رفع تبعیض" در واقع دارد تیشه به ریشه نموده‌های مختلف تبعیض طبقاتی میزند. معلمان هم امروز پرچم علیه تبعیض را

بدست گرفته اند. ممکن است صریحا اسم سوسیالیسم را نیاورند- گرچه اینجا و آنجا گفتمان سوسیالیسم مطرح میشود- ولی حتی اگر این هم نمی بود نفس مبارزه علیه تبعیض، نفس اعالم اینکه آزادی و عدالت می خواهیم و می خواهیم تبعیض برفاقت، به این مبارزه یک خصلت سوسیالیستی میدهد.

خلیل کیوان: نگاهی هم داشته باشیم به آینده این حرکت. شورای هماهنگی تشکلات صنفی معلمان اعلام کرده در صورتی که دولت به خواستهایشان جواب ندهد مرحله دوم اعتراضات شان را بصورت تحصن از ۲۳ تا ۲۷ بهمن بشکل سراسری شروع میکنند و در ۲۸ بهمن دست به یک اعتراض سراسری میزنند و باز اگر جواب ندهد در اسفندماه اعتراضات گسترده ای را به جریان می اندازند. میدانیم که حکومت نه توان پاسخگویی با این وضعیت را دارد و نه تمایلی دارد که به خواستهای معلمان رسیدگی کند. چه احتمالی پیش رو است؟ آیا حکومت قادر میشود سرکوب کند و این حرکت را متوقف کند و یا میروم که با اعتراضات گسترده تر و کوبنده تر معلمان روبرو بشویم؟

حمید تقوایی: تا آنجایی که به سیاستهای حکومت مربوط میشود اینطور بنظر میرسد که میخواهند با دفع الوقت معلمان را خسته و فرسوده کنند بنحوی که کم کم این مبارزات تضعیف شود و به اصطلاح فرو بخوابد. به نظر میرسد این تاکتیک را دنبال میکنند. البته دستگیری هم هست، سعی میکنند مرعوب هم بکنند، منتهی این جواب نمیدهد. خودشان هم این را

میدانند که با دستگیری ها نمیشود چنین جنبشی را مرعوب کرد. ببینید، در برابر خیزشهای خیابانی و شورشهای خیابانی بنحوی میتوانند با سرکوب، با ریختن اوباش و دار و دسته های مسلح شان به خیابانها و با شلیک و غیره موقتا هم که شده حرکت را بخوابانند که این کار را هم در مقاطع مختلف کردند. ولی وقتی یک جنبش در شکل تحصن و اعتصاب در بخش وسیعی از جامعه مثل معلمان و با خواستهای خیلی روشن و خیلی برحق و حق به جانب مطرح میشود این دیگر به سادگی یک تظاهرات و یک شورش قابل سرکوب نیست.

اما نکته مهم تر اینست که به نظر من کلا حکومت قدرت اربابش را از دست داده است. هنوز میگیرد، می بندد، اعدام میکند همه این اتفاقات می افتد ولی نمی تواند مرعوب کند. شما در اعتراضات خانواده های قربانیان آبان ماه یا مادران خاوران و یا خانواده قربانیان شلیک به هواپیما، از جرات و جسارتی که اینها از خودشان نشان میدهند، کاملا متوجه میشوید که جامعه دیگر مرعوب نمیشود. در سخنرانی های معلمان و در شعارهای معلمان هم این را می بینید. بنابراین من فکر میکنم گرچه ممکن است دستگیری ها گسترش پیدا کند، سرکوب

گسترش پیدا کند ولی این جنبش را نمیتواند مرعوب کند. نکته آخر هم این است که معلمان خواستهای خیلی مشخص و عاجلی دارند. عدالت، آزادی و رفع تبعیض هدف آنها است ولی مطالبات خیلی معینی هم دارند که مربوط میشود به زندگی و معیشت شان و طبعا نمیتوانند، قادر نیستند با این حقوقهای خیلی پائین و زیر خط فقر به یک زندگی معمولی و متعارف و در خور شان انسان ادامه بدهند. به این عنوان هم بنظر من جنبش معلمان جز پیشروی و جز اینکه بر خواستهایش پافشاری کند و مقاومت کند راه دیگری در مقابلش نیست.

مجموعه اینها به نظر من نشان میدهد که جنبش معلمان رو به گسترش دارد. ممکن است حکومت تلاش کند بین معلمان تفرقه بیندازد، خواست بخشی را بدهد و خواست بخشی را ندهد، ولی در هر حال نمیتواند این جنبش را با سرکوب و ارباب فرو بخواباند. همه چیز گواه اینست که این حرکت ادامه خواهد یافت.

۲ فوریه ۲۰۲۲

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.newchannel.tv

سایت تلویزیون کانال جدید:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

سایت کارگر کمونیست

www.wpiran.org/kargar_komunist

کارگران بیدارند، از استثمار بیزارند!

تعیین سبد معیشت ۹ میلیونی، مطالبه کارگران

صفحه ۱

در مخمضه بدی بر سر این تصمیم گیری قرار داده است. یک تلاش جمهوری اسلامی در این میان پر کردن صندوق خالی اش از جیب مردم است و لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ نیز راه گذاری موقتی از این وضعیت با تشدید تعرض به معیشت کل جامعه است. از همین رو امسال مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها با مبارزه علیه لایحه بودجه ریاضتی حکومت گره خورده است. در همین راستا بود که در اولین مظنه کردن ها داریوش ابوحزمه معاون وزیر کار با وقاحت تمام خط فقر را ۴

دادند. اما کارگران به اعتراض برخاسته و با گفتن اینکه که ما برده نیستیم که از بالای سرمان در مورد نرخ مزدمان تصمیم گیری شود، بر دو نکته تاکید دارند. یکی اینکه تعیین سبد هزینه و بدنال آن میزان حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار که به هیچوجه آنها را نمایندگی نمیکند را به رسمیت نمی شناسند و قبول ندارند. دوم اینکه چگونه است که دو سال قبل و در نزاعهای خود از خط فقر ۱۲ میلیونی صحبت کردند و امسال علیرغم افزایش سرسام آور قیمت ها و بالا رفتن نرخ تورم و علیرغم هشدار دادن هایشان به اینکه با حذف ارز ۴۲۰۰ تومان در لایحه بودجه، جامعه دچار

شوک تورمی خواهد شد، نرخ سبد معیشتی کارگران را ۹ میلیون رقم زده اند. حرف کارگران امسال این است که با توجه به رشد تورم حداقل دستمزدها باید بالای ۱۶ میلیون باشد. از جمله شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت بر اینکه مزد هیچ کارگر و مزد بگیر نباید از این کمتر باشد تاکید کرده است. این شورا همچنین در بیانیه خود همه بخش های کارگری را حول این خواست و جنبشی سراسری در دفاع از معیشت و زندگی خود فراخوانده است. باید وسیعا به این جنبش پیوست. باید با اعتراضاتی سراسری در برابر لایحه ریاضتی دولت و

تعرضات آن به معیشت کل جامعه ایستاد. بعلاوه باید بر خواسته های سراسری ای چون درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن برای همه جامعه تاکید کرد. نکته مهم اینجاست که هم اکنون در دفاع از زندگی و معیشت و برای داشتن یک زندگی انسانی جنبشی قدرتمند وجود دارد که اجتماعی است و با قدرت به جلو می رود. معلمان، بازنشستگان و پرستاران نیروی عظیم میدانی آن هستند و این جنبش ۹۹ درصدی های جامعه است. باید وسیعا به این اعتراضات پیوست. باید به کل این بساط فقر و توحش و بردگی پایان داد.

فراخوان ۲۹ تشکل مستقل بازنشستگان به تجمع سراسری در ۲۴ بهمن

صفحه ۱

نگرفته است و با شعار "فقط کف خیابان بدست میاد حقمن" مصمند خواسته های خود را پیگیری کنند. در بخشی از فراخوان بازنشستگان برای تجمع سراسری ۲۴ بهمن چنین آمده است: "شرم آور ست در حالیکه دوران بازنشستگی بعد از سی سال کار و زحمت، بایستی زمان آرامش، آسایش و فراغت از دغدغه های ویرانگر باشد!!! اما دولت و مجلس با طرحها و مصوبه های رنگارنگ، برای فربه شدن عده ای خاص، طی چهار دهه، سفره ی ما بازنشستگان را روز بروز کوچک و کوچکتر کرده و گرانی و تورم سرسام آور تحمیلی، خیلی از اقلام ضروری را از سفره ی ما بیرون کشیده ست، دوا و درمان و سایر هزینه های ضروری هم که دیگر هیچ!!! من هوارم را سر

خواهم داد چاره درد مرا باید این داد کند! از شما خفته چند، چه کسی می آید با من، فریاد کند!" خواست های اعلام شده بازنشستگان در این فراخوان عبارتند از: تعیین حقوق بر مبنای هزینه های واقعی خانوار و افزایش آن متناسب با نرخ تورم واقعی، اجرای کامل همسان سازی حقوق معادل ۹۰ درصد حقوق شاغلین و پست های مشابه، پرداخت دیون ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق تامین اجتماعی، عیدی دو برابر حقوق، اجرای ماده ۱۱۱ (مستمری از کارافتادگی و بازماندگان، نباید از حداقل مزد کارگر کمتر باشد)، بیمه جامع و کارآمد مطابق ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی، و آزادی فوری و بی قید و شرط اسماعیل گرامی از بازنشستگان زندانی.

زندگی انسانی است. بازنشستگان در کنار معلمان امروز صدای رسای اعتراض جامعه به فقر و تبعیض و نابرابری حاکم هستند. حزب کمونیست کارگری از این مبارزات قاطعانه حمایت میکند. و همه بخش های جامعه را به همبستگی با این اعتراضات و حمایت از فراخوان اعتراضی بازنشستگان برای روز ۲۴ بهمن فرامیخواند. امضا کنندگان فراخوان ۲۴ بهمن عبارتند از: کارگران و بازنشستگان تهران، بازنشستگان استان مرکزی، بازنشستگان استان خراسان جنوبی، کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی، اتحاد بازنشستگان، بازنشستگان استان گیلان، بازنشستگان استان مازندران، بازنشستگان استان البرز، بازنشستگان استان اردبیل، بازنشستگان استان اصفهان، بازنشستگان تامین اجتماعی استان قزوین، گروه بازنشستگان

مستقل تهران، بازنشستگان استان لرستان، بازنشستگان استان آذربایجان شرقی، بازنشستگان استان آذربایجان غربی، بازنشستگان استان کرمانشاه، بازنشستگان روشنفکر، بازنشستگان استان مازندران، بازنشستگان خوزستان، بازنشستگان استان کرمان، بازنشستگان استان یزد، بازنشستگان استان ایلام، بازنشستگان استان فارس، بازنشستگان تامین اجتماعی البرز(بنا)، بازنشستگان مستقل ومطالبه گر استان کرمانشاه، گروه کارگران و معلمان ۱۹ اسفند، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، گروه اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ بهمن ۱۴۰۰، ۷ فوریه ۲۰۲۲

کار کودکان ممنوع!



اطلاعیه خبری

تجمع معلمان در مریوان در اعتراض به تداوم بازداشت شعبان محمدی تجمع معلمان خرید خدمتی در تهران

محمدی ایستاده و با اعلام همبستگی و همراهی با آنها، برای آزادی وی تلاش میکنند. شعبان محمدی باید فوراً آزاد شود.

روز ۱۷ بهمن معلمان خرید خدمات آموزشی در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و وضع بد معیشتی خود مقابل درب نهاد ریاست جمهوری در تهران تجمع کردند. در این رابطه این معلمان بارها تجمع کرده و خواستار استخدام خود در آموزش و پرورش شده اند. دولت نیز تحت عنوان نبود بودجه از استخدام کارکنان

قرارداد موقت در آموزش و پرورش سر باز میزند. بنا بر خبرها ۲۱ هزار معلم خرید خدمتی با حقوقی بسیار نازل و بدون داشتن امنیت شغلی مشغول به کار هستند. حقوق آنها رقمی بین هفتصد هزار تا یک میلیون و سیصد هزار تومان است که یک بردگی کامل شغلی را نشان میدهد. این در حالیست که این معلمان از حق مرخصی و مزایای دیگر شغلی محرومند. استخدام معلمان خرید خدمات آموزشی یکی از بندهای قطعنامه های اعتراضی شوراهای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در اعتراضات

سراسری معلمان بوده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برای پیگیری مطالبات خود برای مرحله دوم اعتراضات معلمان فراخوان داده است. این اعتراضات بصورت اعتصاب و تحصن در روزهای ۲۳ تا ۲۵ بهمن و بصورت تجمعات سراسری در روز ۲۷ بهمن انجام خواهد گرفت. شورا همه معلمان و خانواده های دانش آموزان و مردم را به این تجمع فراخوانده است. از این اعتراضات وسیعاً حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ بهمن ۱۴۰۰، ۶ فوریه ۲۰۲۲

ساعت یازده ونیم صبح امروز ۱۷ بهمن معلمان در مریوان بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در اعتراض به ادامه بازداشت شعبان محمدی در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی معلمان با بنر "نه به زندان اندیشه" صدای اعتراض خود را به سرکوبگری های حکومت اعلام کردند. معلمان مریوان در

فراخوان اعتراضی خود به این تجمع بر پیگیری مطالبات و آزادی فوری و بدون قید و شرط شعبان محمدی و دیگر معلمان زندانی تاکید کرده بودند. معلمان مریوان به اشکال مختلف پیگیری وضع همکار خود شعبان محمدی هستند و در مورد پیامدهای ادامه بازداشت این همکار خود هشدار داده اند. این معلمان در کنار خانواده شعبان



عکس از آرشیو

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

برگزاری مجمع عمومی ۱۵۰۰ معلم در کف خیابان در سنندج

روز ۲۳ بهمن معلمان در سنندج قرار بود در یک سالن مجمع عمومی انجمن فرهنگیان را برگزار کنند و نمایندگانی را برای عضویت در شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان معرفی انتخاب کنند. اما نیروهای حکومت، درب سالن را قفل کرده و مانع ورود آنان شدند. حتی وقتی معلمان تصمیم گرفتند در حیات کنار سالن جمع شوند نیروهای انتظامی مانع شدند. اما معلمان در برگزار مجمع عمومی مصمم بودند و در برابر مزاحمتهای نیروهای کثیف سرکوبگر، در کف خیابان نشستند و مجمع عمومی شان را تشکیل دادند و نمایندگان خود را انتخاب کردند. در این مجمع ۱۵۰۰ معلم حضور پیدا کردند و به بحث و تبادل نظر پرداختند. تصمیم گیری و انتخاب نماینده در مجمع عمومی یک اقدام پیشرو است که و باید آنرا به یک سنت پایدار تبدیل کرد. این بار معلمان در سنندج راه عملی ایجاد تشکلهای سراسری توده ای را در مقابل جامعه قرار دادند.

مرحله دوم اعتراضات معلمان آغاز میشود

بنا بر آخرین خبرها شورای

اطلاعیه خبری

ادامه تلاشها و اعتراضات معلمان

هماهنگی معلمان، در فراخوانی آنها را به ادامه اعتراضات فراخوانده است. این شورا معلمان را برای روزهای ۲۳ تا ۲۵ بهمن به اعتصاب فراخوانده و برای روز ۲۷ بهمن به تجمعات سراسری فراخوان داده است. معلمان از جمله خواستار برخورداری از معیشت و منزلت معلم، اجرای رتبه بندی و همسان سازی به طور کامل و ایجاد و توسعه مدارس استاندارد و آموزش رایگان، عدالت آموزشی، پایان دادن به اختلاس ها و دزدی ها از صندوق ذخیره فرهنگیان و صندوق بازنشستگی هستند.

یک خواست مهم معلمان آزادی همه معلمان دستگیر شده است. معلمانی که هم اکنون در زندانند و بخاطر پرونده سازی در خطر بازداشت قرار دارند عبارتند از: محمدتقی فلاحی، اسماعیل عبدی، محمدرضا رمضانزاده، هاشم خواستار، یعقوب یزدانی، حسین رمضانپور، شعبان محمدی، ناهید فتحعلیان، زینب هم رنگ، محمدحسین سپهری، محسن حسنیور، جعفر ابراهیمی، عزیز قاسم زاده، لطیف روزیخواه، علی کروشات، پیروز نامی،

دستگیر و به مکانی نا معلوم منتقل گردید.

در همبستگی با شعبان محمدی و خانواده اش روز پانزدهم بهمن ماه جمعی از معلمان از شهر سقز به دیدار خانواده شعبان محمدی رفتند و پشتیبانی خود را از شعبان محمدی، ریوار عبداللهی، آرش محمدی و دیگر زندانیان سیاسی و معلمان زندانی اعلام داشته و خواستار آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی شدند. در این دیدار معلمان پشتیبانی خود را از خانواده های زندانیان سیاسی و معلمان زندانی اعلام داشتند.

بعلاوه تشکلهای صنفی معلمان از شهرهای مختلف از جمله از استان های گیلان، البرز، فارس، همدان، کردستان و کرمانشاه به همراه شماری از تشکل های صنفی در بیانیه هایی جداگانه ضمن محکوم کردن دستگیری شعبان محمدی و صدور حکم زندان برای جعفر ابراهیمی و تشدید فشار های امنیتی بر روی معلمان معترض، بر آزادی فوری همه معلمان زندانی و مخومه شدن پرونده های امنیتی برای همکاران خود تاکید کردند.

همچنین اعتراضات گسترده معلمان در سطح بین المللی بازتاب وسیعی داشته است. در این هفته شبکه سراسری نمایندگان محل کار طی بیانیه ای حمایت خود را از خواستها و مبارزات معلمان و کارگران در ایران اعلام داشته و در بخشی از آن چنین آمده است: "ما می دانیم که در سال ۲۰۲۱ بیش از ۲۰۰۰ اعتصاب و اعتراض کارگری در ایران سازماندهی شده است و درود و همبستگی خود را به همه کارگران ایرانی

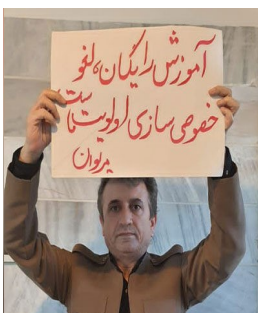
درگیر مبارزات طبقاتی می فرستیم. در عین حال خواستار پایان سرکوب و آزادی تمامی کارگران زندانی و فعالان بازنشسته هستیم."

قبل از آن نیز شورای اتحادیه های کارگری در ونکوور، اتحادیه کارگران خدمات عمومی و دولتی در بریتیش کلمبیای کانادا، شبکه سندیکایی بین المللی اتحادیه های کارگری بین المللی اتحادیه های کارگری، فدراسیون معلمان مدارس متوسطه ای انتاریو (کانادا) و اتحادیه بین المللی معلمان از اعتراضات معلمان پشتیبانی کرده و ضمن محکوم کردن دستگیری و بازداشت معلمان معترض بر آزادی فوری آنها و همه زندانیان سیاسی تاکید کرده بودند.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات معلمان اعلام داشته و تلاش میکند صدای اعتراض آنان در سطح جهان باشد. معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند و تمامی پرونده های تشکیل شده برای آنها و برای همه فعالین سیاسی باید مخومه اعلام گردد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۴۰۰، ۵ فوریه ۲۰۲۲



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



اطلاعیه خبری

اعتصاب کارگران پروژه ای ماشین سازی اراک، اعتراضات پرستاران قرارداد موقت و دو خبر دیگر

- روز ۱۶ بهمن کارگران پروژه‌ای شرکت ماشین سازی اراک شاغل در پتروشیمی کیان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه‌شان اعتصاب کرده و دست به تجمع زدند.

- بدنبال اعلام عدم استخدام پرستاران قرارداد موقت ۸۹ روزه موجهی از اعتراض در میان آنها شکل گرفته است. از جمله پرستاران و کادر درمانی در شهرهایی چون تهران، اصفهان، شیراز، ایلام، مشهد، اسد آباد همدان و پلدختر روز ۹ بهمن در اعتراض به شرایط نامناسب شغلی و معیشتی خود تجمع کردند. این تجمعات در مشهد مقابل ساختمان استانداری، در اصفهان در بیمارستان الزهرا و در شیراز و پلدختر و اسد آباد مقابل ساختمان دانشگاه علوم پزشکی برگزار شد. در این روز همچنین در تهران جمعی از سوی کارکنان نظام سلامت برگزار گردید. بدنبال این اعتراضات پرستاران ضمن رسانه ای کردن اخبار تجمعاتی که داشتند بر خواست حذف پیمانکاران و انعقاد قرارداد مستقیم با نیروی انسانی شاغل در وزارت بهداشت پافشاری کردند.

به گفته پرستاران دو سال است که رسیدگی به مطالبات آنان و کارکنان جامعه درمان کشور در دستور قرار گرفته اما فقط آنها را سر میدوانند و حتی وزارت بهداشت تحت عنوان نبود بودجه

لازم، دستور ممنوعیت تبدیل وضعیت تمام پرستاران شرکتی را صادر کرده است. بدین ترتیب هزاران پرستار در لیست اخراجها قرار گرفته اند. این بیکارسازی ها در شرایطی اتفاق می افتد که به گفته معاون پرستاری وزارت بهداشت، مراکز درمانی حداقل به ۱۴۵ هزار پرستار، تکنسین اتاق عمل و هوشیار نیاز دارند. این بیکارسازی آنهم در دل بحران کرونا به کمبود نیرو در بخش درمانی ابعاد فاجعه باتری خواهد داد و استاندارد درمان را در سطح سراسری پایین تر خواهد آورد. این تصمیم علاوه بر تعرض به حقوق پرستاران، یک جنایت آشکار و بازی کردن با جان بیماران و همه مردم است.

- روز شنبه ۱۶ بهمن بیش از ۷۰ نفر از نیروهای مخابرات خوزستان جهت اجرای حکم بازگشت به کار و تبدیل وضعیت، مقابل مخابرات منطقه خوزستان تجمع کردند. در پی حضور این نیروها، حراست درهای مخابرات منطقه خوزستان را بست و از ورود کارمندان مخابرات به اداره جلوگیری کرد. روز چهارشنبه قبل نیز با حضور اعتراضی آنها در مقابل شرکت، حراست درهای مخابرات را بروی کارکنان بست. بنا بر خبرها حدود ۷۰ نفر از نیروهای مخابرات استان خوزستان دو دوره بدون قرارداد زیر نظر شرکت پیمانکار خدمات اول به کار خود ادامه دادند. این کارگران بنا به قانون باید قراردادشان دائمی شود و بر همین اساس آنها در اعتراض به ادامه قراردادهای موقت شکایت تنظیم کردند و زیر فشار اعتراضاتشان هیأت های تشخیص و حل اختلاف و دادگستری ناگزیر شدند حکم استخدام دائمی و بازگشت به کار آنها را صادر کنند. اما شرکت پیمانکار خدمات اول ماههاست از اجرای حکم خودداری میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۶ بهمن ۱۴۰۰، ۵ فوریه ۲۰۲۲

پیگرد و بازداشت شهروندان بهایی محکوم است

بر اساس خبری که هرانا منتشر کرده است روز ۱۲ بهمن ماموران امنیتی دوشهروند بنام پری کارگریان مروستی و دانیال بنی نژاد را به "جرم" بهائی بودن به همراه یک نفر دیگر بنام اسماعیل مولایی در مارلیک تهران در منزل شخصی پری کارگریان بازداشت و به مکان نامعلومی برده اند. ماموران امنیتی به هنگام بازداشت برخی وسایل شخصی آنها از جمله لوازم الکترونیک، موبایل، کتب، تصاویر و نشانه های مربوط به آئین بهایی را هم ضبط و با خود برده اند.

جمهوری اسلامی از ابتدای روی کار آمدن افراد معتقد به مذاهبی مانند بهایی و یهودی را بطور سیستماتیک مورد اذیت و آزار و پیگرد قرار داده است. بهائیان از همان روز اول روی کار آمدن جمهوری اسلامی هدف پیگرد حکومت و اوباش آن قرار گرفتند، دستگیر و زندانی شدند، از کار اخراج شدند، خانه هایشان به آتش کشیده شد و از بسیاری حقوق اجتماعی محروم شدند. در

سالهای اخیر بسیاری از دانشجویان را نیز به "جرم" بهائی بودن از دانشگاه اخراج کرده اند یا اجازه ادامه تحصیل به آنها نداده اند. جنایت در حق این شهروندان همچنان و بدون وقفه ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری پیگرد بهائیان و اذیت و آزار آنها را بشدت محکوم میکند و خواهان آزادی این سه شهروند و همه شهروندان زندانی معتقد یا منتسب به بهائیت و پایان دادن به اذیت و آزار و پیگرد این شهروندان است. با سرنگونی جمهوری اسلامی مذهب رسمی لغو میشود، مذهب از دولت و آموزش و پرورش و سیستم قضایی کاملاً جدا میشود و کلیه شهروندان صرفنظر از اعتقاداتشان از حقوق برابر برخوردار میشوند. حزب از کلیه تشکل های مردمی، از نویسندگان و هنرمندان انساندوست و از همه مردم آزاده میخواهد که اذیت و آزار مردم معتقد یا منتسب به مذاهب مختلف یا بی مذهب را محکوم کنند و از حق شهروندی برابر برای همه آنها دفاع کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ بهمن ۱۴۰۰، ۲ فوریه ۲۰۲۲

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید!

تلفن: ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

ای میل: tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande

اینستاگرام: wpi91

نه به جمهوری اسلامی،

آری به جمهوری سوسیالیستی!

نه به حکومت مافوق مردم،

آری به حکومت شورائی!

نه به سرمایه داری،

آری به سوسیالیسم!



از مدیای اجتماعی

حاکمیت

سرمایه "سیاست" را هل داده وسط سفره زندگی مردم!

روابط کارمزدی و سرمایه به نسبت ابعاد و عمق نفوذش در قلمروهای زندگی و زیست مردمان، "سیاست" را به مقوله اجتماعی مرتبط با آب و نان و کار و عرصه های موجودیت انسانی مردم آشکارا گره زده است!

در اینجا مردم بدون اینکه برای ورود به "دنیای سیاست" برنامه ریزی کرده یا اساساً علاقه ای به این موضوع داشته باشند، به جبر تلاش برای نیازهای زندگی و توسط خود حکومت و دولت و ساختارهای سرکوب شان پرتاب میشوند وسط عالم سیاست و هر روز لعنت میفرستند به مسیبان این وضعیت شان و "دنیای سیاست"!

مردم و بطور مشخص، معلمان، کارگران و سایر

مزدبگیران نیروی کار، ناراضی از شرایط زندگی وضعیتی را نمیپذیرند و اعتراض و اعتصاب میکنند و در برابر تعرضات جدیدی که دولت میخواهد به معیشت و عرصه های زندگی شان تحمیل کند مقاومت میکنند تا عقب ش برانند. در نخواستن وضعیت موجود تا هر جا که بتوانند جلو میروند بدون اعتناء به مرزبندی و تعاریف خاصی از جمله صنفی یا سیاسی.

انسانها برای تنها فرصت یکبار زندگی کردن، میخواهند در جامعه ای شاد و مرفه و آزاد زندگی کنند، نه اینکه فقر و نکبت بر هست و نیست شان آوار و زندگی را زهرشان کنند و بخواهند نصف بیشتر عمرشان را اعتراض کنند و بعد یک عده ای بنام دولت و حکومت مدام بنام "اقتدار سیاسی" دست توی جیب شان کنند و در مقابل مقاومت و اعتراضشان بریزند سرشان و نه فقط به سر بلکه به پایشان هم شلیک کنند" یا ساچمه به چشمانشان بزنند و ببرند بیاندازند توی زندان! حکومت تلاش میکند با تانید

سنت های کهنه و تقسیمبندی بی ربط با منفعت مردم از جمله مقولات صنفی یا سیاسی، سیاست را حوزه اقتدار حکومتی و منطقه ممنوعه برای مردم معرفی و رسمیت دهد تا برای جدا کردن ریشه فقر و بدبختی مردم از قدرت سیاسی حاکم و با پُر هزینه کردن مقوله سیاست، بستر سرکوب جنبش ها و مردم معترض به وضعیت موجود را فراهم کند.

اما زبان "سیاست" برای مردم زبان معاش، رفاه و خوشبختی ست و نه تعبیر ساختگی دیگر. در نتیجه مطالبات معیشتی کارگران، معلمان و یا بازنشستگان و مردم

در برابر حکومت و دولتش ناچاراً یک تقابل سیاسی ست. سیاست خط قرمز و تابوی این مردم نیست!

نیروی کار در دستیابی به شرایط بهتر زندگی بدون اعتناء به خط کشیهای ساختگی صنفی یا سیاسی، هر جا که بتوانند و زورشان برسد از هر روزنه، امکان و ظرفیتی چه "قانونی" یا غیر قانونی استفاده میکنند. کشمکش اجتناب ناپذیر برای

زندگی تعاریف قالبی را نمیپذیرد.

قوانین جامعه "قدسی" نیستند و تابع توازن قوای مردم و حکومت هاست! چه در عرصه کار و معاش و چه قلمروهای

زندگی هر وضعیتی و یا "قانون" و مصوبه ای که در برابر و علیه آب و نان و معیشت زندگی و حقوق و هویت انسانی مردم قرار بگیرد، مردم حق دارند تغییرش دهند!

"سیاست" و قوانین حاکم خط قرمز و تابوی جنبش کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان و سایر اقشار مردم نیست! روایت ها و تعاریف حکومتی یا نیابتی که نقش بازدارندگی در مسیر مطالبات اجتماعی و معیشتی دارند را بخودشان واگذاریم. شورای بازنشستگان ایران



برخی خبرها از خوزستان

کشته شدن یک جوان در شوش به دست نیروهای انتظامی

شامگاه یازدهم بهمن، جوان ۲۲ ساله ای بنام (سجاد کعبی) از اهالی کوی ابراهیم آباد شهر شوش در حالی که دوستانش قصد داشتند جشن تولدی برای او در پارک بگیرند به ضرب گلوله و شلیک مستقیم ماموران انتظامی کشته شد.

به گفته خانواده او سجاد به همراه تعدادی از دوستان خود در پارک جنب شهرداری در حال گرفتن جشن تولد بودند که با یورش نیروهای انتظامی و ضرب و شتم آنها مواجه می شوند و بالا گرفتن درگیری یکی از ماموران به طرف سجاد شلیک کرده و ماموران بلافاصله از صحنه فرار کردند.

جوان دیگری بنام (علی کعب عمیر) نیز در این ماجرا بوسیله سه گلوله زخمی شده و اکنون علیرغم شدت جراحات در بازداشت یک نهاد امنیتی است. شاهدان عینی گفته اند که از ناحیه پا و قلب چهار گلوله به (سجاد کعبی) اصابت کرده و در جا کشته شده است.



جمهوری اسلامی از سایه خود نیز وحشت دارد. این رژیم با توجه به خیزش مردمی در خوزستان هر تجمعی موجب هراس می شود و فوراً نیروهای سرکوبگر خود را برای متفرق کردن مردم گسیل می دارد. قتل سجاد کعبی موجی از نفرت و اعتراض را در میان مردم ایجاد کرده است. مردم خواستار پیگرد و محاکمه عامل این جنایت هستند.

نویسنده کتاب "من شهروند کشور زمینم" در زندان کرج است

معلم زندانی اسماعیل عبدی در یادداشتی نوشته است که در زندان مرکزی کرج با جوانی ۴۱ ساله به نام (عماد جعفری پور) آشنا شده که اهل شهرستان رامهرمز است و به اتهام تبلیغ علیه نظام و توهین به مقامات از سال ۱۳۹۷ در بازداشت بسر میرد...

به نوشته اسماعیل عبدی عماد جعفری پور از سال ۷۷ که در دانشگاه چمران اهواز در رشته مهندسی کشاورزی پذیرفته شد، همزمان در (روستای سه تلون) رامهرمز به شکل حق التدریس مشغول بکار بوده است.

این معلم زندانی در وبلاگ شخصی خود مطالبی با موضوعات صلح جهانی، تعصب زدایی، تاریخ، فلسفه، محیط زیست و... نوشته و به این صورت نویسنده چندین کتاب و فیلمنامه نویس بوده است. او بارها در جریان پرونده سازی هایی که نهادهای امنیتی علیه اش صورت دادند اند بازداشت و زندانی شده است. جعفری پور در آخرین دادگشاش با اتهام تبلیغ علیه نظام، توهین به مقدسات، توهین به خامنه ای و خمینی به ۱۲ سال زندان محکوم شد که در پی اعتراض وی حکم او در دادگاه تجدیدنظر به ۵ سال تقلیل یافته است. اینگونه است که تحت عناوین امنیتی نویسنده، کارگر، معلم و هر انسان معترضی سر از زندان در آورده است. هم اکنون یک جنبش قدرتمند برای آزادی زندانیان سیاسی و بازکردن زندانها در جریان است. اسماعیل عبدی خود از معترضین به این امنیتی کردن ها بوده و هست. اسماعیل عبدی، عماد جعفری پور و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون

قید و شرط آزاد شوند.

اعتراضات معلمان در خوزستان

روز دوشنبه ۱۱ بهمن ماه معلمان در خوزستان نیز همزمان با سایر معلمان سراسر کشور پس از تحصن دو روزه در مدارس، برای پیگیری مطالبات خود مقابل ساختمان اداره کل آموزش و پرورش در اهواز تجمع اعتراضی برگزار کردند.

اجرای طرح رتبه بندی معلمان شاغل و همسان سازی حقوقها برای معلمان بازنشسته که سالها به طول انجامیده از مهم ترین مطالبات آنهاست. معلمان می گویند: میزان حقوق معلمها پایین بوده و در معیشت خود دچار مشکل هستند، کسی که بیش از ۱۰ سال سابقه دارد به سختی حقوقش به ۷ میلیون تومان می رسد و فقط افرادی که نزدیک به بازنشستگی هستند حقوقشان بیشتر از ۱۰ میلیون تومان است. بعلاوه تحصیل رایگان برای همه کودکان و بهبود کیفیت آموزش و پایان دادن به خصوصی ها یک مطالبه مهم معلمان است و به این اعتبار معلمان صدای اعتراض کل جامعه هستند.

با پایان یافتن تجمع اعتراضی معلمان در اهواز، پیروز نامی دبیر هیات مدیره کانون صنفی معلمان خوزستان بازداشت شد.

همراه با او چند معلم دیگر نیز بازداشت شدند. نامی در تجمع بیست و سوم دی ماه معلمان اهوازی نیز بازداشت شده بود.

اوایل دی ماه نیز پیروز نامی، علی کروشات و فرنگیس نسیم پور از فعالین صنفی معلمان استان خوزستان به دادگاه انقلاب اهواز احضار شده بودند. در برابر اعتراضات گسترده و سراسری معلمان حکومت اسلامی تلاش دارد با سرکوب و دستگیری ها این اعتراضات را عقب بزند. اما معلمان ایستاده و اعلام کرده اند که مرعوب نخواهند شد و همچنان پیگیر مطالباتشان خواهند بود. مرحله دوم اعتراضات آن در ۲۳ تا ۲۷ بهمن بصورت اعتصاب و تحصن و در ۲۸ بهمن بصورت تجمعات سراسری خواهد بود. در عین حال معلمان اعلام کرده اند که اگر باز هم پاسخ نگیرند در اسفند ماه دست به اعتراضات گسترده و سراسری خواهند زد. خواستهای معلمان خواستهای همه مردم است و باید وسیعاً از مبارزات آنها حمایت کرد.

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری - واحد خوزستان

۱۵ بهمن ۱۴۰۰، ۴ فوریه ۲۰۲۲

زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند!

حزب کمونیست کارگری ایران به کمک مالی شما نیازمند است

حزب کمونیست کارگری را باید در همه زمینه ها تقویت کرد. این حزب نیاز مبرم جامعه برای تحکیم و تقویت مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آینده ای روشن است. جامعه در آستانه تحولاتی مهم و تاریخی قرار دارد. فعالین کارگری، معلمان و بازنشستگان، زنان و دانشجویان مشغول تلاش هرروزه برای سازمانیابی و سازماندهی توده ای بخش های مختلف جامعه هستند. این تلاش ها، این سازماندهی ها و اعتراضات و تجمعات اعتراضی وسیع و امیدبخشی که در مراکز کارگری و در خیابان ها جریان دارد، برای تبدیل شدن به یک آلترناتیو سیاسی موثر نیاز مبرم به حزب دارند. حزب کمونیست کارگری حزب این دوره است. امید بسیاری از مردم است. باید بدور سیاست های آن گرد آمد، همه جا واحدهایش را ایجاد کرد، برنامه و ادبیات و سیاست هایش را همه جا مورد بحث قرار داد، فراخوان هایش را هرچه بیشتر عملی کرد و از جمله حزب را باید تقویت مالی کرد.

بسیاری از پروژه های حزب نیاز و گسترش فعالیت های متنوع حزب در گرو تقویت بنیه مالی حزب است. تقویت این حزب بخشی از مبارزه شما برای سرنگونی حکومت گنبدیده و پلید اسلامی و شکل دادن به جامعه ای شاد و آزاد و برابر و انسانی است. حکومت اسلامی را باید تضعیف و سرنگون کرد و حزب را باید هرچه بیشتر تقویت کرد. به این معنی فراخوان حزب برای تامین مالی حزب یک فراخوان سیاسی نیز هست. از تک

تک شما که حزب را میشناسید و خود را در اهداف انسانی و آزادیخواهانه آن شریک میدانید، انتظار کمک داریم. کمک کنید و دوستانتان را تشویق به کمک کنید. امیدواریم مبلغی بسیار بیشتر از آنچه در فراخوان حزب آمده است به صندوق حزب سرازیر شود تا حزب بتواند به تعهدات سیاسی خود و تعهدات تازه ای که در مقابل جامعه و فعالین کارگری دارد و همینطور تعهداتی در مقابل دوستانی که بدلیل شرکت در مبارزه و یا برای تداوم فعالیت خود با مشکل مالی و تامین زندگی خود مواجه شده اند، جوابگو باشد.

سوالاتی دارید میتوانید با آدرس های زیر تماس بگیرید:

از اروپا:

آذر پویا: ۰۰۴۶۷۳۰۵۶۶۶۱۴

azar_poya@hotmail.com

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

siabahari@gmail.com

از آمریکای شمالی:

ستار نوریزاد ۰۰۱۲۱۴۵۴۹۶۲۷۱

sattarnorizad@yahoo.com

از کانادا:

بابک یزدی ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

babakyazdi2@gmail.com

از ایران:

شهلا دانشفر ۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

shahla.daneshfar2@gmail.com

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

سوئد:

Kontonr: 412 23 79-3 SEK

Bankkontonr: 9960 2641 223 793

Kontoslag: PLUSGIROKONTO

F RETAG

IBAN: SE10 9500 0099 6026 4122 3793

آلمان:

Germany

M. Eli

Commerzbank

Kontonr: 727634800

BLZ: 60040071

IBAN: DE84600400710727634800

BIC/SWIFT: COBADEFFXXX

هلند:

Bank: RABOBANK

Darande hesab: FVIVN

Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از

هر کشور دیگر:

England

Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23

account holder: WPI

branch: Wood Green

Bank: NatWest

IBAN: GB77 NWBK 6024 2345477981

BIC: NWBK GB 2L

فقط کف خیابون بدست میاد حقمون!